

احیاء محلات شهری

پاسخی به نیازها و اجتماعی شهر تهران

salmanmasoumy@gmail.com

سلمان معصومی / کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری / کارشناس دفتر مشاور شهر دار تهران در امور توسعه و مطالعات شهری

شهری با سکونت‌گاه‌های زیستی شهر در شکل کالبدی-اجتماعی محله به یکی از لوازم ساماندهی شهری تبدیل شده است. در دهه‌های اخیر محله و محیط اجتماعی و انسانی آن به‌ویژه در سطح روابط اجتماعی، زمینه را برای برنامه‌ریزی بهتر بازسازی شهری فراهم کرده است. (Mousavi, 1998:18)

محله‌های سنتی، محصول انتخاب طبیعی ساکنین و خانوارها و برخورد از رشد طبیعی بوده است. محله‌گزینی در بسیاری از شهرهای بزرگ جهان در ارتباط مستقیم با کارکردهای اقتصادی و اجتماعی است. گاهی ممکن است ویژگی‌های متفاوت مذهبی، نژادی، فرقه‌ای و با عوامل اقتصادی سبب جداگزینه مکانی ساکنین در نواحی مختلف شهر شود.

محله واحد اجتماعی درون شهر تعریف می‌شود که ساکنین آن ممکن است بر حسب خصوصیات ویژه جمعیتی گرد هم آمده باشند. موقعیت اقتصادی از قبیل نوع شغل، شرایط عمومی اجتماعی مانند سطح برخورداری و رفاه اقتصادی و نیز تفاوت‌های فرهنگی و نژادی از جمله خصوصیات است که ممکن است محله‌نشینان را از یکدیگر متمایز نماید.

مفهوم محله شهری در برخورد نخست تداعی کننده حوزه جغرافیایی پیچیده در شبکه فضایی شهر است که در درجه نخست، دارای کاربری مسکونی و سپس دارای کاربری‌های دیگری همچون اداری، تجاری، خدماتی و مانند آن. اما «واقعیت جامعه‌شناختی محله به‌مراتب پیچیده‌تر است. به نظر جامعه‌شناسان، معرف‌های سنتی محله با واحد حیات جمعی و جامعه‌پذیری در ارتباط است.» (ربانی، ۱۳۸۲: ۱۵۴).

محله‌های سنتی در شهرهای بزرگ ممکن است ادوار تاریخی و تحولی خاصی را طی کرده باشند. تغییر در شرایط و تحول در مناسبات شهری تأثیر مستقیم بر کارکرد آشکار محله دارد. از جمله عوامل مؤثر در تغییر ساختار محلات شهری طرح‌ها و برنامه‌ریزی‌های کنترل‌شده شهر است که به گونه‌ای غیرمستقیم ساز و کار طبیعی شبکه زندگی و فعالیت محله‌ای را دگرگون نموده است.

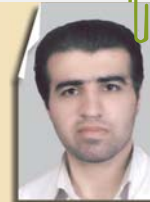
زیست شهری ایرانیان در سه لایه (سطح) متقاطع صورت می‌گیرد. این سه سطح به ترتیب عبارتند از: خانه مسکونی، محله شهری و شهر. (فلامکی، ۱۳۸۳: ۴). فرهنگ محله‌ای در بطن زیست شهرنشینان ایران‌زمین، در طول تاریخ استمرار داشته است و به همین سبب است که در جریان ترویج خانه‌سازی و شهرک‌سازی‌های ناسنجیده دهه‌های اخیر توانسته است برخی ارزش‌ها، اندیشه‌ها، مفاهیم و سنت‌های معنوی را در زیست شهری پایدار نگه دارد. (سبحانی، ۱۳۸۵: ۳۰).

محله را می‌توان پس از خانوار (خانواده) کوچک‌ترین واحد «مدنی» (صرف‌نظر از مجتمع مسکونی) محسوب کرد. ارزش‌های انسانی-معنوی، سنت‌ها و آداب زیست شهرنشینان چنین نشان می‌دهد که دشوارترین و پرشورترین لحظه‌های زندگی آنها در محله‌های مسکونی سپری شده است؛ سازش‌های بازاریان با زیاده‌خواهان حکومتی و مذهبی را ساکنان محله‌های شهری خنثی می‌کرده‌اند، از گذشته‌های دور تاکنون، همزیستی‌های مدنی، شهرنشینان را پایدار می‌کرده است.

ساخت واحد محله - شهری^۱

محله بافت و برش تفکیک‌ناپذیری از شهر است. محله واقعیتی اجتماعی

امروزه در گفتگوهای روزمره وقتی سخن از محله به میان می‌آوریم، مفهومی بدیهی و بی‌نیاز از تعریف و تفسیر را در ذهنمان جای می‌دهیم، اما قادر به تعریف آن نخواهیم بود.



امروزه اصطلاح محله را بدون اطلاع از مفهوم واقعی و پیشینه بلند تاریخی آن به کار می‌بریم. یکی از ویژگی‌های کهن شهرهای ایرانی وجود محلات شهری دارای وحدت کالبدی، فضایی و استقلال نسبی از نظر عملکردی بوده که گروه متجانسی از مردم، خانه‌های آنها و مراکز تأمین خدمات اولیه زندگی آنها را در خود جای می‌داده است. تشابهات فرهنگی موجود در این محلات که مبتنی بر عواملی چون دین، مذهب، قومیت، زبان، شغل و ... بوده و به حیات روزمره، اندیشه‌ها و فعالیت‌های ساکنین آن نظم می‌بخشید. بی‌توجهی به مفهوم واقعی محله، کارکردها و نقش‌های آن در قرن اخیر، باعث آسیب کالبدی-عملکردی محلات شهرهای تاریخی و زوال تدریجی آنها شده است. اگرچه رجعت به سازمان فضایی کهن محله‌های شهری به سادگی توجیه‌پذیر، عملی و منطقی نیست، با این حال بازتولید مفهوم محله با توجه به نیازهای زمانه می‌تواند سبب حفظ نظام اجتماعی-اقتصادی محلات تاریخی شهرها و جلوگیری از نابودی ساختار کالبدی آنها شود.

واژگان کلیدی: محله شهری، سازمان فضایی شهری، احیاء.

مفاهیم و تعاریف محله

محله‌های شهری، پدیده‌های بنیادی در نظام تنظیم شهری در گذشته و نیز در حال حاضر در بسیاری از کلانشهرهای جهان از جمله کشور ما تلقی می‌شوند. محله مفهومی کهن است که در سال‌های اخیر مورد بی‌توجهی و بی‌مهری‌های فراوان قرار گرفته و در ایران همواره از جریانات کلان اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، مذهبی و سیاسی موجود در شهرها تأثیر پذیرفته است. بر اساس فرایند توسعه برنامه‌ریزی شهری، ایجاد شهر طبق تنظیمات جغرافیایی جدید و یا دخالت در تقسیم‌بندی فضایی، منجر به تجدید ساختار کالبدی شهرهای مدرن در شکل نواحی منفصل و بی‌ارتباط شهری شده است. به دنبال رشد وسیع فیزیکی شهرها و گسترده شدن دامنه‌های میدانات انسانی، موضوع «هویت‌یابی» در محله‌های مسکونی و ساماندهی روابط ساکنین

و فیزیکی است که در تمام شهرها وجود دارد. از نظر «مفورد» محله با مرزهای معین و نیز جایگاه هسته‌ای آن در شهر شناخته می‌شود (Mumford, 1945). ویژگی‌های فیزیکی، جمعیتی و نوع ارتباط نزدیک ساکنین آن با یکدیگر و نیز فضای اجتماعی و محیطی مشترک سبب می‌شود محله‌ها از یکدیگر متمایز باشند. برخی از محققین واحد همسایگی را بنیاد واقعی در محله می‌دانند. از نظر «شکویی» محله از خانه‌های مجاور هم در یک فضای جغرافیایی مشخص تشکیل می‌شود. به عبارت دیگر محله از ترکیب، پیوستگی کم یا زیاد، معاشرت و روابط محکم همسایگی و ارتباط غیررسمی میان گروهی از مردم به وجود می‌آید (شکویی، ۱۳۶۵). بدین ترتیب در یک محله شهری ادغام عناصر مختلف محیطی و اجتماعی منجر به تولید ساختار فضایی می‌شود که طی آن شبکه فعالیت‌ها، عملکردها و تنظیمات جمعی، هویت قابل شناسایی و بطور نسبی مستقلی را پیدا می‌کند.

طبق نظر «ویلن» اجتماع محله‌ای، شبکه روابطی از نوع شخصی دارد. به نظر او و نیز «لیگتون» پنج علت اصلی باعث مطالعه محله می‌شود:

- ۱) محله واحد مجزی نوع شهری است که قابل مشاهده است.
- ۲) روابط اجتماعی در سطح محل آنرا یک واحد مستقل می‌کند.
- ۳) توضیح فضایی روابط، نیاز به مطالعه مرزهای جغرافیایی آن از لحاظ نظام اداری را حذف می‌کند.
- ۴) محله دنیای اجتماعی کوچک در درون شهر و موزائیک دنیای اجتماعی برابر با اجتماع^۲ است
- ۵) موقعیت مکان نقش تعیین کننده در محله و روابط افراد ندارد (Mousavi, 1998).

همچنان که «بلومر» و «گان» توجه کرده‌اند، مکان نقش نهایی را در سازمان محله ندارد؛ بلکه زمینه‌ساز آن است. «هاروی» و «مسی» به عنوان جغرافی دانانی که روی خودآگاهی از مکان در سال‌های اخیر مباحثی را مطرح کرده‌اند، هویت اجتماعی در محله شهری را ویژگی مهم و قابل شناسایی می‌دانند. از این نظر دیدگاه‌های آنان به جامعه‌شناسی بسیار نزدیک است. معیناً ترکیب فضایی در روش این دو محقق شهری، نقش مهم تری در تحلیل روابط دارد. همین مسئله، مورد نظر «لوفور» در کتاب «تولید مکان» نیز بوده است (Blockland, 2003: 8). از این رو می‌توان گفت محله‌های شهری واحدهای جغرافیایی فاقد معنی و کارکرد نیستند؛ بلکه بالعکس آنها در ارتباطی پیوسته و کارکردی قرار دارند.

ویژگی محلات شهری گذشته ایران

از جمله ویژگی‌های مهم ساختار گذشته شهری در ایران، شبکه روابط محله‌ای و برخورداری شهر از نوعی هویت محله‌ای است. وضعیت فوق

شرایط را برای ادامه زندگی جمعی بهتر برای ساکنین این محلات و پیشگیری بسیاری آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی فراهم می‌کرد. به‌ویژه، ساختار محلات شهری تهران در گذشته به دلیل نزدیکی مکانی اعضا و احساس تعلق مکانی بین آنان ارتباط متوالی موجود ساکنین را موجب و در نتیجه امکان تأمین بسیاری از نیازهای عاطفی و روانی افراد را فراهم می‌کرد. روابط اجتماعی با دوام بین اهالی یک محل، حضور خرده فرهنگ تعامل و همیاری، حفظ حریم و حرمت‌ها، احساس مسئولیت در قبال سلامت و بهداشت فرهنگ و اجتماعی افراد در محیط زندگی بر حسب سنن و ارزش‌های موجود و بسیاری از خصوصیات کارکردی مشابه دیگر، علائم پویایی شبکه‌ای شهر در گذشته بوده است. بدون تردید با هر دیدگاه و منظری که به محیط‌ها و فضاهای بسیاری از محله‌های شهری در تهران بنگریم، روشن است که برخی فضاهای محله‌ای، محیطی خلاق، سرشار از تنوع و واجد معنی است و با تقویت ارتباط انسان با محیط، محیط زیستی مطلوب به وجود می‌آورد؛ مانند محله نازی‌آباد (عروجی، ۱۳۸۳: ۲۸). اما برخی دیگر محله‌ها فاقد این قابلیت‌ها بوده و قادر نیستند ارتباط مناسبی با مردم و استفاده‌کنندگان خود برقرار کنند؛ مانند شهرک کاروان (Mousavi, 1997).

نکات لازم در بازسازی محلات

در بازسازی فیزیکی محله‌های شهری اولویت نخست به طراحی و تراکم ساختمان‌های مسکونی، دسترسی به فضای باز محیطی، ایجاد بوستان و فضای سبز متناسب با سطح و نیاز واحدها، ایجاد یا تغییر تدریجی شبکه تأسیسات خدماتی و انتقال تأسیسات مزاحم و آلاینده به بیرون محله، طراحی میادین، خیابان‌ها، تقاطع و دسترسی‌های خدماتی است. ایجاد واحدهای کارشناسی و فنی در سطح برنامه‌ریزی و توسعه محلی و استفاده از نظر و پیشنهادات ساکنین محلی و مهم‌تر از همه جلوگیری از احداث بناها و تأسیسات فاقد کنترل و ارزیابی فنی از جمله مراحل مهم اقدام در روش‌های بازسازی است. امروزه موضوع «بازسازی فیزیکی محله‌ای» به روشی اطلاق می‌شود که در آن بخش‌های گوناگون فعال و موجود در محله‌ها

از قبیل مراکز بهداشتی، آموزشی، اداری، خرید و فروش و حمل و نقل عمومی هر کدام ممکن است روش و الگوی خاصی را در سطح یک ناحیه و در چارچوب بازسازی عمومی شهر ایجاد کنند (Blockland, 2003: 13).

محله‌ر می‌توان پس از خانوار (خانواده) کوچک‌ترین واحد «مدنی» (صرف نظر از مجتمع مسکونی) محسوب کرد. ارزش‌های انسانی-معنوی، سنت‌ها و آداب زیست شهرنشینان چنین نشان می‌دهد که دشوارترین و پرشورترین لحظه‌های زندگی آنها در محله‌های مسکونی سپری شده است

پی‌نوشت

1/ Community 2/ Urban Neighborhood Unit

منابع

- ربانی، رسول (۱۳۸۲) *جامعه‌شناسی شهری*، دانشگاه اصفهان، اصفهان.
- سبحانی، آنا (۱۳۸۵) *بازتولید مفهوم محله از گذشته تا امروز: نمونه موردی محله ۱۶، منطقه ۱۱ تهران*، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌های دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران.
- شکویی، حسین (۱۳۶۵) *جغرافیای اجتماعی شهرها، اکولوژی اجتماعی شهر*، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.
- فلاحی، منصور (۱۳۸۳) *فرهنگ زیست محله‌ای شهرهای ایران: ریشه‌ها و گرایش‌ها*، چکیده مقالات همایش توسعه محله‌ای، چشم‌انداز توسعه پایدار شهر تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران.
- موسوی، یعقوب (۱۳۸۲) *بازسازی شهری با تکیه بر توسعه نظام محله‌ای*، دفتر مطالعات و پژوهش‌های راهبردی سازمان فرهنگی-هنری شهرداری تهران.
- Blockland, T. (2003) *Urban Bounds*, Translated by Lee K. Mitzman, Policy Press Cambridge.
- Blummer, M. (1985) *The Rejuvenation of Community Studies? Neighbour, Networks and Policy Context*, Harcourt Brace Jovanovich, New.
- Mumford, L. (1954) *The Neighborhood and the Neighborhood Unit*, *Town Planning Review* Vol. 24: 256-70.
- Mousavi, S. Y. (1998) *Urban Neighbourhoods of Tehran: The Social Relations of Residents and Their Living Place*, Unpublished Thesis, Newcastle University.
- Ward, A. (1985) *The Homogenization of Space? Trends in the Spatial Division of Labour in Twentieth-Century Britain* in Newby et al.